



نویسنده: اوراسلمان
ترجمه: فرزانه سالمی

تحریم تسلیحاتی اروپا علیه چین اهداف و انگیزه ها

لغو تحریم تسلیحاتی اتحادیه اروپا علیه چین که مدتها به بحث داغ میان اعضای اتحادیه اروپا تبدیل شده بود سرانجام مورد تأیید قرار گرفت و بسیاری از تحلیلگران، قوای فشار شدید آمریکا برای ادامه این تحریم را عامل مهم منجر به این تصمیم گیری دانستند. در واقع، اختلافات میان آمریکا و اروپا، موارد نقض حقوق بشر در چین، مناقشه بر سر تایوان و تمایل شدید پکن به توسعه ارتش خود و مدرن کردن آن، از مواردی بود که در جریان مباحث در خصوص تحریم تسلیحاتی اتحادیه اروپا علیه چین مطرح می شد. البته نکته مشترکی هم در این میان یافت می شد: هر دو طرف معتقد بودند که این تحریم، چندان کارآمد نبوده است.

تحریم تسلیحاتی اتحادیه اروپا علیه چین که در سال ۱۹۸۹ میلادی اعمال شد در سال ۱۹۹۸ میلادی شامل هشت مورد جدید نیز شد و نهایتاً به انزوی برای مقابله با صادرات تجهیزات نظامی اروپا به چین بدل شد؛ هر چند که نتوانست کاملاً از این جریان جلوگیری کند.

با توجه به مباحث فراوانی که در این خصوص و در میان کشورهای مختلف جهان در گرفته بود، بررسی انگیزه ها و منافع این کشورها در حفظ یا لغو تحریم تسلیحاتی اتحادیه اروپا علیه چین، اهمیت خاصی می یابد. البته پیشتر نیز بسیاری از تحلیلگران اعلام کرده بودند که لغو این تحریم ممکن است به بی ثباتی یا ایجاد تنش در شرق آسیا منجر شود اما این مخالفت، عموماً از انگیزه های سیاسی نشأت می گرفت.

در همین حال، انگیزه های چین برای راهی ارتحرم، تحت تأثیر مسائل و دغدغه های داخلی و خارجی زیادی قرار گرفته بود. بسیاری از تحلیلگران معتقدند علی رغم تلاشهای چین برای همکاری با مذاکرات شش جانبه حل بحران هسته ای کره شمالی، بهبود شرایط کنترل تسلیحات و عضویت در رژیم های کنترل فناوری و میندگی پکن همچنان خود را درگیر جنگی در مقابل غرب می بیند و به نظر می رسد عدم توجه جهانی به این شرایط چین، رفتار خنک ترین وضعیت را برای این کشور ایجاد کرده باشد.

تحلیلگران مسائل چین، سهالاست که به مسأله دیگری نیز اشاره می کنند. پیش از اشاره به ماجرای تحریم تسلیحاتی چین، این کشور تلاش دارد برای غلبه اطلاعاتی و بالا بردن توانایی خود در عرصه سیستم های رادار و مسائل نظامی بالا برود. چین به موشکهای فرانسه، هواپیماهای جنگنده، هلیکوپترها و سیستم های مخفی و صادراتی کشورهای دیگر، علاقه زیادی دارد و به همین جهت، زیردریایی های آلمان و سیستم های راداری ایتالیا و آمریکا نیز خریداری شده از اتحادیه اروپا به وقت مورد بررسی قرار می دهد. با این وجود، اگر چین به سیاستهای اعتمادساز، شفافیت و کنترل صادرات روی نیاورد، ممکن است حتی حمایت همسایگانش را هم از دست بدهد.

تایوان
اگر تحریم تسلیحاتی اروپا علیه چین برداشته می شد، تایوان نیز از کشور دیگری آسیب می دید. در عین حال در مورد نظامی و نیز از لحاظ سیاسی، نمایل تایوان برای به رسمیت شناخته شدن خدشه دار می شد. حتی در شرایط فعلی نیز تایوان در تلاش است که برنامه خوبی را برای به دست آوردن اعتماد و حمایت اروپا اجرا کند و همین جاست که چین، خود کشور فرانسه و آلمان را هدف قرار داده است زیرا می داند این دو کشور، با سیاست آمریکا که در حمله به عراق مخالف بودند و از لحاظ سیاسی، اقتصادی و نظامی می باشد خویی دارند و به همین جهت، جلب حمایت آنها در شرایط تایوان، از اهمیت خاصی برای چین برخوردار است.

لغو تحریم های اتحادیه اروپا می توانست تایوان به استقلال طلب در تایوان را کاملاً تضعیف کند زیرا تاکنون شدت از تمویق قانون ضد الحاق به راه مام مارش سال جاری میلادی ضربه خورده بود و به این ترتیب، علی رغم آسیب پذیری تایوان در عرصه بین المللی، مخالفتهای داخلی در مورد قانون مذکور، منجر به تقویت گروههایی استقلال طلب در تایوان شده بود. این شرایط، دقیقاً مثل سال ۱۹۹۶ میلادی بود که موشکهای چین به ساحل تایوان شلیک شدند. در آن زمان، فشارها بر تایوان بیشتر شد اما چین و آمریکا بیشتر به عرصه تنش و مقابله کشانده شدند. از سوی دیگر، تلاش برای لغو تحریمهای تسلیحاتی اروپا، چین می توانست حمایت تایوان از خریدهای تسلیحاتی را افزایش دهد. در عین حال، افزایش خودمختاری تایوان

یابوستگی آن به آمریکا یا ژاپن، اگر با اجرای قانون ضدالحاق و تحریمهای تسلیحاتی علیه چین همراه گردد، به انزوا کشاندن چین را به همراه خواهد داشت که با گذر از خطوط قرمز سیاسی تایوان، تنش ها را نیز بیشتر خواهد کرد.

روسیه
در مقابل، در تصمیم خط قرمز از سوی روسیه برای توسعه نظامی چین و سکوت روسیه در جریان تحریم تسلیحاتی، از مسائلی است که جای تأمل دارد. علی رغم نفوذی که روسیه در امور نظامی چین دارد، می توان گفت که روسیه اکنون نقش خود را کاملاً تغییر یافته می بیند. به هر صورت، این شرایط را می توان نوعی تغییر در رویکرد روسیه نسبت به چین به شمار آورد زیرا اهرم فشار روسیه نسبت به منتهاست که تحت تأثیر بلندپروایهای چین قرار گرفته و قدرت خود را از دست داده است.

در همین حال، سفر سرگی ایوونوف وزیر دفاع روسیه به چین که در اول دسامبر، در فاصله بیستم تا بیست و سوم ماه آوریل (جمعه جاری میلادی) انجام پذیرد، موقعیتی برای روسیه است تا شرایط بازار نظامی خود را با افزایش صادرات مجاز تسلیحاتی، بهبود بخشد. چین نیز منتهاست که در انتظار دستیابی به سیستم های جدید روسی از جمله سیستم های موشکی و جنگنده به سر می برد. البته در سال ۱۹۹۸ میلادی هم صادرات تجهیزات از روسیه به چین مورد توجه قرار گرفت اما اطلاعات دقیقی در این مورد وجود ندارد.

در واقع، استفاده روسیه از خلا سیستم های کنترل صادرات نشان می دهد که فروش تسلیحات روسیه به چین، تنها به شرعیت پیشین به اقدامات چین منجر شده است، اما حتی معامله گران روسی هم نسبت به تمایل فرانسه به فروش جدیدترین سیستم های الکترونیک شناسایی، رهبری و کنترل، ماهواره های نظامی، ضد هوایی و سیستم های ضد موشکی به چین ابراز نگرانی می کنند. آنها حتی به صورت گسترده تجهیزات فرانسوی به هند هم اشاره می کنند. این در حالی است که هند نیز خود یکی از مشتریان اصلی تجهیزات نظامی روسیه است و به همین جهت نیز چین به همراه او با صادرات کنترل نشده روسیه به هند شکایت می کند. در چنین شرایطی، ترس روسیه از انتقال فناوریهای پیشرفته به چین، عملاً اینه ای از فعالیتها خودسیر را به نمایش می گذارد.

از سوی دیگر، در درازمدت می توان نشان داد که تجهیز همسایگان یک کشور به سیستم های پیشرفته، ممکن است به هزینه های سنگین استراتژیک برای روسیه بینجامد. از لحاظ اقتصادی نیز اگر دو مشتری بزرگ روسیه، یعنی هند و هند به سیستم های نظامی غربی روی آورند، روسیه به حاشیه رانده خواهد شد و روسیه قویاً قصد دارد از چنین موقعیتی احتراز کند.

آمریکا
تمام کشورها، رشد توسعه نظامی چین را از یک دیدگاه بررسی نمی کنند. مثلاً آمریکا از دیدگاه سود بازار و ثبات کوتاه مدت به این قضیه می نگرد. واشنگتن یکی از سرسخت ترین مخالفان لغو تحریم اتحادیه اروپا بوده است و عواملی مانند توسعه تسلیحاتی و مسائل حقوق بشر هم مهمترین نواچهات این مخالفت به شمار می روند. نکته ای که شد که اختلافات سیاسی به وقوع شگافهای میان کشورهای دو سوی اقیانوس اطلس دامن خواهد داد، اما همانطور که هنگام حمله به عراق نیز اتفاق افتاد، اما دیدگاههای متفاوت اروپاییان در مورد استفاده از تحریم،

لغو تحریم تسلیحاتی اتحادیه اروپا علیه چین که مدتها به بحث داغ میان اعضای اتحادیه اروپا تبدیل شده بود سرانجام مورد تأیید قرار گرفت و بسیاری از تحلیلگران، قوای فشار شدید آمریکا برای ادامه این تحریم را عامل مهم منجر به این تصمیم گیری دانستند.

از جمله انتقاداتی که نسبت به عملکرد بولتون مطرح می شود می توان به تلاش وی برای عدم افشای اطلاعات مربوط به امور تسلیحاتی در کشورهایی مانند عراق، کره شمالی و ایران، اخراج مقامات آمریکایی مخالف با سیاستهای خود و نیز اثبات عدم وجود سلاحهای گسترش یافته خود در عراق اشاره کرد. در این راستا گفته می شود بولتون به عنوان مشاور امور تسلیحاتی در دولت آمریکا هم نتوانسته است انتظارات موجود را برآورده کند و به همین جهت، معرفی وی به عنوان نماینده آمریکا در سازمان ملل متحد، جای پرسش بسیار دارد.

در واقع، در زمانی که سیاست خارجی دولت بوش، مبهم و بی ثبات است، بولتون را شاید حتی به منظور حفظ ظاهری ادعاهای آمریکا در سطح جهان هم نمی توان به عنوان نماینده آمریکا در سازمان ملل متحد پذیرفت. در شرایط فعلی، آمریکا هنوز از باتلاق عراق نجات نیافته است و موقعیت آمریکا در سازمان ملل متحد که از زمان آغاز حمله یکجانبه به عراق به شدت خدشه دار شده بود نیز هنوز اصلاح نشده است.

در این میان، نمی توان تنها به حفظ وجهه ظاهری آمریکا در سازمان ملل متحد چشم دوخت زیرا سابقه عملکرد جان بولتون در دولت آمریکا نیز حاکی از آن است که حضوری وی در سازمان ملل متحد نه تنها به بهبود شرایط منجر نخواهد شد، بلکه سیاستهای بین المللی آمریکا را هم به مرحله نامتعادل تری خواهد کشاند.

در حال حاضر، آمریکا به نماینده ای نیاز دارد که بتواند چهره متعادل و میانه رویی را به نمایش بگذارد. در واقع، دولت بوش از افراد تندرستی مثل بولتون در مواقع مناسب نیز سودجسته است. مثلاً از زمان وقوع حملات ۱۱ سپتامبر، بوش به دنبال ایجاد شرایط ژئولیتیک خاصی بود که ملمنه ای از جنگ جهانی دوم و جنگ سرد را به نمایش بگذارد و برای تأمین این هدف، سیاستهای خاصی را نیز در پیش گرفت. شاید بنوان از این دیدگاه، انتخاب بولتون را نیز برای رسیدن دولت بوش به این تصورات، درست دانست زیرا بوش، شخصی تندرستی مانند بولتون را برای سازمان ملل برگزیده است تا آمریکا که چه پیشتر به شکل کنسروی نمایانده شده است تحمل زیادی ندارد و سیاستهای تابعی را نیز پیش از سایر رویکردها می پسندد. در واقع، دولت آمریکا معتقد است که با این روش می تواند با ترومس یا دیگر دیدگاهت علیه امنیت آمریکا مقابله کند.

اما از سوی دیگر، عملکرد بولتون به عنوان معاون امور کنترل تسلیحات در دولت بوش چندان توجه پذیر نیست و همین مسأله نیز تردیدی را نسبت به علت انتخاب وی ایجاد کرده است. بر اساس گزارشهای منتشر شده، ضعف عملکرد دستگا تحت نظارت بولتون و نیز عدم موفقیت او در همکاری با سازمان اطلاعاتی آمریکا، نهایتاً منجر به افشای واهی بودن ادعاهای مطرح شده در خصوص سلاحهای گسترش یافته گردید. این مسأله بخصوص با توجه به ارائه تجهیزات مختلف در مورد حمله آمریکا به عراق، اهمیت زیادی دارد زیرا وجود این سلاحها، توجیه اصلی آمریکا در حمله به عراق بود. عدم همکاری بولتون با وزارت امورخارج آمریکا و عدم ارائه اطلاعات درخصوصی کالین پاول و همکاران وی در این وزارتخانه نیز از دیگر موارد منافی در پرورنده بولتون است به نحوی که نهایتاً اطلاعات جامع و مستحضر در مورد مسائل دولتی توجیه پاول، در اختیار وی قرار نگرفت.

در چنین شرایطی، باید به انتظار نشست و دید بوش از چه جهت، خواهان اتخاذ مواضع افراطی آمریکا در سازمان ملل متحد شده است.

توجه به مجموعه این عوامل و تمایل ژاپن به در اختیار گرفتن یک کرسی دائمی در شورای امنیت سازمان ملل متحد نشان می دهد که ژاپن در صورت تمایل دارد مواضع فعلی خود را حفظ کند.
لغو تحریمهای علیه چین می توانست ارتش ژاپن را هرچه بیشتر تقویت کند اما مسأله چین، همواره عاملی برای نگرانی ژاپن در منطقه خواهد بود.

گره جنوبی و شمالی
به همین ترتیب، اظهارات متفاوتی نیز از سوی مقامات دو کره در مورد تحریمهای تسلیحاتی اتحادیه اروپا علیه چین در جریان است. مسلم است که کره شمالی از لغو تحریمها حمایت می کند. زیرا در آن صورت، احتمال راه یافتن تسلیحات و فناوری اروپا به کره شمالی نیز به شدت بالا می رود.

اما برای کره جنوبی، مسأله تحریم در سایه انتقاد و نقد فعلی دولتی این کشور با ژاپن قرار گرفته است. ادامه مذاکلات و تحریمهای آمریکا حتی بدون توجه به تحریم اروپا علیه چین ادامه خواهد داشت، اما تفاوت آمریکا و اروپا در آن است که در آینده آمریکا موردی از تحریم برای حمایت از اقتصاد خود در اختیار نخواهد داشت. به علاوه، در حالی که آمریکا تحریم های خود را در برخی از موارد از جمله فروش جنگنده های ۴۱۶ به هند و پاکستان لغو کرده است، ادعاهای حفظ تحریم علیه چین به بهانه دغدغه آمریکا در مورد ثبات استراتژیک منطقه، عدم توسعه هسته ای و مسائل حقوق بشر، به تدریج رنگ خواهد باخت.

ژاپن
اما محیط ژاپن از سیاستهای آمریکا در مورد تحریم تسلیحاتی چین کاملاً بیخبر است. در فوریه سال ۲۰۰۵ میلادی ژاپن ژاپن اولین بار تأکید کرد مسأله تایوان، نگرانی امنیتی مشترک به شمار می آید. پس از آن نیز مقامات ارشد ژاپن، لغو تحریمها را عاملی برای بی ثباتی منطقه شرق آسیا نسبت به تلاش پکن برای توسعه هژمونی منطقه ای و افزایش اداهت است و تجاوز یک زیردریایی هسته ای چین به آنها ژاپن در ماه نوامبر سال گذشته میلادی نیز ژاپن را به شدت هراسان کرد و آسیب پذیری توکیو در مقابل نفوذ پکن را به نمایش گذاشت و در همان حال، مواضع تند و ادعاهای کره شمالی در مورد برنامه های هسته ای این کشور هم همواره نگرانی بزرگی برای ژاپن به شمار می آید.

چین به موشکهای فرانسه، هواپیماهای جنگنده، هلیکوپترها و سیستم های مخفی تسلیحاتی کشورهای دیگر، علاقه زیادی دارد و به همین جهت، زیردریایی های آلمان و سیستم های راداری ایتالیا و آمریکا نیز خریداری شده از اتحادیه اروپا به وقت مورد بررسی قرار می دهد.

شرایط حقوق بشر در چین و روابط اروپا و آمریکا بر سر مسائل چین به این شگافها دامن زده است. در چنین حالتی، مذاکلات و تحریمهای آمریکا حتی بدون توجه به تحریم اروپا علیه چین ادامه خواهد داشت، اما تفاوت آمریکا و اروپا در آن است که در آینده آمریکا موردی از تحریم برای حمایت از اقتصاد خود در اختیار نخواهد داشت.

بنا بر این ممکن است دو کره به این نتیجه برسند که لغو تحریم اتحادیه اروپا به تسریع نظامی گری ژاپن در منطقه و نفوذ آمریکا خواهد انجامید باید با آن مقابله شود.
اما از سوی دیگر، اگر لغو تحریم تسلیحاتی اروپا می توانست شرایط چین علیه تایوان را تقویت کند، آنگاه شرایط مداخله مستقیم آمریکا در منطقه فراهم می شود و به این ترتیب، هراس همیشگی کره شمالی و جنوبی از این مداخله، به شکاف دائمی در شبه جزیره کره تبدیل می شد.

ایدئولوژی

جان بولتون

مرد نامناسب آمریکا در سازمان ملل

ف.س.ب.

جان بولتون، منتقد بزرگ سازمان ملل متحد که به عنوان سفیر جدید دولت بوش در این سازمان معرفی شده است، از سوی بسیاری از تحلیلگران، انتخابی نادرست و نامناسب خوانده می شود ولی این مشاور امور کنترل تسلیحات و امنیت بین المللی در دوره پیشین ریاست جمهوری بوش، توانسته است نظیر جمهوریخواهان آمریکا را در کمیته روابط خارجی سنای آمریکا تأمین کند. هر چند که روند مخالفت دموکراتها با معرفی وی همچنان ادامه دارد.

از جمله انتقاداتی که نسبت به عملکرد بولتون مطرح می شود می توان به تلاش وی برای عدم افشای اطلاعات مربوط به امور تسلیحاتی در کشورهایی مانند عراق، کره شمالی و ایران، اخراج مقامات آمریکایی مخالف با سیاستهای خود و نیز اثبات عدم وجود سلاحهای گسترش یافته خود در عراق اشاره کرد. در این راستا گفته می شود بولتون به عنوان مشاور امور تسلیحاتی در دولت آمریکا هم نتوانسته است انتظارات موجود را برآورده کند و به همین جهت، معرفی وی به عنوان نماینده آمریکا در سازمان ملل متحد، جای پرسش بسیار دارد.

در واقع، در زمانی که سیاست خارجی دولت بوش، مبهم و بی ثبات است، بولتون را شاید حتی به منظور حفظ ظاهری ادعاهای آمریکا در سطح جهان هم نمی توان به عنوان نماینده آمریکا در سازمان ملل متحد پذیرفت. در شرایط فعلی، آمریکا هنوز از باتلاق عراق نجات نیافته است و موقعیت آمریکا در سازمان ملل متحد که از زمان آغاز حمله یکجانبه به عراق به شدت خدشه دار شده بود نیز هنوز اصلاح نشده است.

در این میان، نمی توان تنها به حفظ وجهه ظاهری آمریکا در سازمان ملل متحد چشم دوخت زیرا سابقه عملکرد جان بولتون در دولت آمریکا نیز حاکی از آن است که حضوری وی در سازمان ملل متحد نه تنها به بهبود شرایط منجر نخواهد شد، بلکه سیاستهای بین المللی آمریکا را هم به مرحله نامتعادل تری خواهد کشاند.

در حال حاضر، آمریکا به نماینده ای نیاز دارد که بتواند چهره متعادل و میانه رویی را به نمایش بگذارد. در واقع، دولت بوش از افراد تندرستی مثل بولتون در مواقع مناسب نیز سودجسته است. مثلاً از زمان وقوع حملات ۱۱ سپتامبر، بوش به دنبال ایجاد شرایط ژئولیتیک خاصی بود که ملمنه ای از جنگ جهانی دوم و جنگ سرد را به نمایش بگذارد و برای تأمین این هدف، سیاستهای خاصی را نیز در پیش گرفت. شاید بنوان از این دیدگاه، انتخاب بولتون را نیز برای رسیدن دولت بوش به این تصورات، درست دانست زیرا بوش، شخصی تندرستی مانند بولتون را برای سازمان ملل برگزیده است تا آمریکا که چه پیشتر به شکل کنسروی نمایانده شده است تحمل زیادی ندارد و سیاستهای تابعی را نیز پیش از سایر رویکردها می پسندد. در واقع، دولت آمریکا معتقد است که با این روش می تواند با ترومس یا دیگر دیدگاهت علیه امنیت آمریکا مقابله کند.

اما از سوی دیگر، عملکرد بولتون به عنوان معاون امور کنترل تسلیحات در دولت بوش چندان توجه پذیر نیست و همین مسأله نیز تردیدی را نسبت به علت انتخاب وی ایجاد کرده است. بر اساس گزارشهای منتشر شده، ضعف عملکرد دستگا تحت نظارت بولتون و نیز عدم موفقیت او در همکاری با سازمان اطلاعاتی آمریکا، نهایتاً منجر به افشای واهی بودن ادعاهای مطرح شده در خصوص سلاحهای گسترش یافته گردید. این مسأله بخصوص با توجه به ارائه تجهیزات مختلف در مورد حمله آمریکا به عراق، اهمیت زیادی دارد زیرا وجود این سلاحها، توجیه اصلی آمریکا در حمله به عراق بود. عدم همکاری بولتون با وزارت امورخارج آمریکا و عدم ارائه اطلاعات درخصوصی کالین پاول و همکاران وی در این وزارتخانه نیز از دیگر موارد منافی در پرورنده بولتون است به نحوی که نهایتاً اطلاعات جامع و مستحضر در مورد مسائل دولتی توجیه پاول، در اختیار وی قرار نگرفت.

در چنین شرایطی، باید به انتظار نشست و دید بوش از چه جهت، خواهان اتخاذ مواضع افراطی آمریکا در سازمان ملل متحد شده است.

توجه به مجموعه این عوامل و تمایل ژاپن به در اختیار گرفتن یک کرسی دائمی در شورای امنیت سازمان ملل متحد نشان می دهد که ژاپن در صورت تمایل دارد مواضع فعلی خود را حفظ کند.
لغو تحریمهای علیه چین می توانست ارتش ژاپن را هرچه بیشتر تقویت کند اما مسأله چین، همواره عاملی برای نگرانی ژاپن در منطقه خواهد بود.

گره جنوبی و شمالی
به همین ترتیب، اظهارات متفاوتی نیز از سوی مقامات دو کره در مورد تحریمهای تسلیحاتی اتحادیه اروپا علیه چین در جریان است. مسلم است که کره شمالی از لغو تحریمها حمایت می کند. زیرا در آن صورت، احتمال راه یافتن تسلیحات و فناوری اروپا به کره شمالی نیز به شدت بالا می رود.

اما برای کره جنوبی، مسأله تحریم در سایه انتقاد و نقد فعلی دولتی این کشور با ژاپن قرار گرفته است. ادامه مذاکلات و تحریمهای آمریکا حتی بدون توجه به تحریم اروپا علیه چین ادامه خواهد داشت، اما تفاوت آمریکا و اروپا در آن است که در آینده آمریکا موردی از تحریم برای حمایت از اقتصاد خود در اختیار نخواهد داشت. به علاوه، در حالی که آمریکا تحریم های خود را در برخی از موارد از جمله فروش جنگنده های ۴۱۶ به هند و پاکستان لغو کرده است، ادعاهای حفظ تحریم علیه چین به بهانه دغدغه آمریکا در مورد ثبات استراتژیک منطقه، عدم توسعه هسته ای و مسائل حقوق بشر، به تدریج رنگ خواهد باخت.

ژاپن
اما محیط ژاپن از سیاستهای آمریکا در مورد تحریم تسلیحاتی چین کاملاً بیخبر است. در فوریه سال ۲۰۰۵ میلادی ژاپن ژاپن اولین بار تأکید کرد مسأله تایوان، نگرانی امنیتی مشترک به شمار می آید. پس از آن نیز مقامات ارشد ژاپن، لغو تحریمها را عاملی برای بی ثباتی منطقه شرق آسیا نسبت به تلاش پکن برای توسعه هژمونی منطقه ای و افزایش اداهت است و تجاوز یک زیردریایی هسته ای چین به آنها ژاپن در ماه نوامبر سال گذشته میلادی نیز ژاپن را به شدت هراسان کرد و آسیب پذیری توکیو در مقابل نفوذ پکن را به نمایش گذاشت و در همان حال، مواضع تند و ادعاهای کره شمالی در مورد برنامه های هسته ای این کشور هم همواره نگرانی بزرگی برای ژاپن به شمار می آید.

